|  |
| --- |
| * **عنوان پژوهش:** مطالعه و امکان سنجی ظرفیت های نهاد تکافل در استقرار سیاست های کلی تامین اجتماعی |
| * **نوع پژوهش:**   **کاربردی □ بنیادی □ توسعه‌ای □** |
| * **نوع خروجی حاصل از انجام پژوهش:**   **طرح پژوهشی□ گزارش کارشناسی□ سند سیاستگذاری □** |

لازم به ذکر است در چارچوب پژوهشی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، منظور از طرح پژوهشی، سند سیاستگذاری و گزارش کارشناسی به شرح ذیل است:

**«طرح پژوهشی»**

طرح پژوهشی یکی از انواع قالب‌های تولید علمی محسوب می‌شود که منطبق با اصول علمی روش تحقیق انجام می‌شود.

**«سند سیاست‌گذاری»**

«سند سیاست‌گذاری»، گزارشی کوتاه، بی‌طرفانه و موجز در پاسخ به یک سؤال مشخص یا راجع به یک مسئله خاص است که استاندارد صلاحیت برای تهیه سند سیاست‌گذاری، افراد خبره هستند. این گزارش شامل سه بخش زیر می‌شود: بخش اول که به آن «خلاصه مدیریتی» خواهیم گفت، بر روی جلد گزارش، ضمن بیان مشکل در یک یا دو سطر، به ارائه راهکارهای اجرایی منطقی برای آن در حداکثر نصف صفحه می‌پردازد. بخش دوم که گزارش اصلی را تشکیل می‌دهد و در 3 تا 5 صفحه مطابق چارچوب تعیین‌شده تهیه می‌شود، «پیشنهادات سیاست‌گذاری» نامیده می‌شود. بخش سوم که به تحلیل دقیق موضوع و ارائه اسناد پشتیبان آن می‌پردازد، «یادداشت سیاست‌گذاری» نام دارد. هر یک از این سه بخش برای اهداف خاص و مخاطبان ویژه خود تهیه می‌شوند.

**«گزارش کارشناسی»**

شامل ارائه یک گزارش کامل در خصوص یک موضوع خاص موردنظر است که به یک فرد مجری با سطح صلاحیت حداقل «محقق» واگذار می‌شود تا حداکثر طی 3 ماه، گزارش مورد نظر را منطبق با فرمت ارائه‌شده تهیه و ارائه نماید.

**«تعریف سطح خرد/متوسط/کلان»**

طرح خرد- طرحی است که از حیث مبلغ سه برابر حد نصاب معاملات خرد موسسه می‌باشد.

طرح متوسط- طرحی است که از حیث مبلغ از معاملات خرد فراتر بوده و حداکثر ده برابر سقف حد نصاب معاملات خرد موسسه می‌باشد.

طرح کلان- طرحی است که از حیث مبلغ از سقف معاملات متوسط فراتر باشد.

|  |
| --- |
| * **توصیف و بیان مسئله:**   بنابر تصریح متن سیاست های کلی تامین اجتماعی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری ایجاد رفاه عمومی، بر طرف ساختن فقر و محرومیت، حمایت از اقشار و گروههای هدف خدمات اجتماعی از جمله بی‌سرپرستان، از کارافتادگان، معلولان و سالمندان و آنچه از اهداف رفاه و تأمین اجتماعی که در اصول ۳، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی آمده است، اقتضاء می‌کند نظامی کارآمد، توانمندساز، عدالت‌بنیان، کرامت‌بخش و جامع برای تأمین اجتماعی همگان که برگرفته از الگوهای اسلامی- ایرانی و مبتنی بر نظام اداری کارآمد، حذف تشکیلات غیر ضرور و رفع تبعیض‌های ناروا و بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی باشد، می بابیست طراحی و اجرا شود و از سوی دیگر بر استقرار نظام ملی احسان و نیکوکاری و ایجاد پیوند میان ظرفیت‌های مردمی و دستگاههای موظف در بند هفتم سیاست ها تاکید شده است. بسامد واژه مردمی و عمومی نیز در سیاست از تاکید بر بهره برداری از ظرفیت جامعه پرده بر می دارد.  یکی از نهادهای مردمی که توان حمل چنین باری را در بستر جامعه دارد نهاد تکافل است. تکافل از ماده کفل به معنای تعهد به تأمین نیارهای معیشتی به کار رفته است. بسیاری از اندیشمندان اسلامی ازجمله شهید صدر آنرا به معنای کفالت برخی به دست برخی دیگر به کار برده‌اند. به طور کلی می‌توان گفت از آنکه امر اجتماعی، به‌صورت اجتماعی نضج می‌گیرد، ساماندهی آن نیز اجتماعی خواهد بود. از این منظر تکافل به ماهیت امر اجتماعی نظر دارد و سامان امر اجتماعی را به‌صورت اجتماعی و متقابل پیگیری می‌کند. ضمان اعاله و تکافل عام مفاهیمی هستند که به این ماهیت اشاره می‌کنند.  اما محدوده این کفالت می‌تواند طیفی از امور را در برگیرد. امور معیشتی، فقر، عدم‌کفایت درآمد، شغل، مسکن، بدهکاری و...ازجمله قلمروهایی بوده‌اند که با ابزار تکافل می‌توان به رفع چالش آنها پرداخت. به نظر می رسد سلسله‌مراتب تکافل در خانواده، محله، خویشاوندان، هم شهریان، شهروندان و مسلمین و هم نوعان از بن تکافل قابل استنتاج است.  بسیاری از اندیشمندان کفالت را به‌گونه‌ای مطرح کرده‌اند که در دایره امور خیرخواهانه، تبرعی و غیر الزام‌آور قرار می‌گیرد. گاهی از واجب کفایی بودن آن نیز سخن به میان رفته است. اما به نظر می‌رسد می‌توان از الزام‌های قراردادی نیز در آن بهره برد، به گونه‌ای که افراد با قراردادهایی ضمان و کفالت یکدیگر را در اموری مشترک به عهده بگیرند. و اینگونه از یک نهاد غیررسمی به سمت یک نهاد رسمی حرکت کنند. بنابراین پس از شناسایی امر مشترک و گاه خطر مشترک، ممکن است تأمین مالی ضمانت و کفالت به‌صورت مشارکتی صورت پذیرد. ازاین‌رو برخی از نویسندگان به برخی پرداخت‌های انتقالی و مالیات عمومی اسلامی الزامی و غیر الزامی به‌عنوان منبع تأمین مالی تکافل اشاره‌کرده‌اند. انفال، زکات، خمس صدقه، هدیه، وقف، نذر، کفاره، قربانی و قرض ازجمله این منابع بوده است.  در سوی مقابل بازهم به دلیل اینکه جنبه حمایت‌گرانه تکافل پررنگ دیده شده است، تخصیص این منابع هم به فقر، نیاز و استحقاق سنجی گره می‌خورده است. حال‌آنکه هم در تأمین منابع و هم در تخصیص منابع، سرشت تکافل بر توافق اراده‌ها تأکید دارد.  در گام بعد پرسش از چگونگی حکمرانی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، مدیریت و تنظیم نهادهای برآمده از تکافل به میان می‌آید. تکافل هم در تأمین منابع و هم در حکمرانی سازه خویش، بنای بر عدم تفکیک مدیریت از مالکیت دارد و بر نوعی خودگردانی تاکید می کند. بنابراین همان ذی حقان یک قلمرو با ظرفیت تکافل به خودگردانی منابع خویش می‌پردازند.  با این توضیح می‌توان پرسید که مردم‌نهادها، دولت، بخش خصوصی هریک چه جایگاهی در نظام تکافل بنیاد خواهند داشت؟ عمده‌ترین نقشی که برای دولت در آثار نویسندگان وجود دارد نقش تسهیل گری و صیانت از حقوق، قراردادها، مشارکت در تأمین مالی و ارائه زیرساخت بوده است. اما چنان که پیشتر آمد تکافل از باب تفاعل به بده بستان گره خورده و یک قدرت مرکزی دیگران را کفالت نمی‌کند، بلکه کفیل‌ها کفالت یکدیگر را به عهده می‌گیرند. به دیگر سخن، امر مشترک اقتضای تدبیر مشترک را خواهد داشت.  نکته بعدی درباره تکافل رابطه آن با نظام‌های چند لایه تأمین اجتماعی است. آیا تکافل فقط مربوط به لایه حمایتی و غیررسمی و غیر الزام آور می‌شود؟ به نظر می‌رسد تکافل یک شکل و سازه آماده شرعی برای مصارف خاص نیست؛ بلکه یک ظرفیت، یک تأسیس و نهاد حقوقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که با اصل مشارکت و توافق می‌تواند تعهدات متقابل و همکاری های مختلفی را رقم بزند. بنابراین هم در لایه‌های حمایتی و هم در لایه‌های بیمه ای و تکمیلی توافق اراده‌های برآمده از تکافل می‌تواند شکل و قواره گوناگونی به خود بگیرد.  اینکه تکافل جایگزین دولت یا نهادهای رسمی است یا مکمل آن؟ خود می‌تواند محل تأمل باشد. اما به نظر می‌رسد تکافل یک اصل برای ساختن و ارزیابی نهادهای مدنی است. بنابراین با ریختن خون تکافل در نهادهای مدنی موجود نیز می‌توان به استوارسازی آن‌ها نیز کمک شایانی کرد. آنچه نباید از نظر دور داشت این است که نهاد تکافل تمرکز گریز است و تکثر گرا. چرا که امر به کنش متقابل است در بستر زندگی عمومی. آموزه‌های اسلامی وقتی خطابش عموم مردم و مسلمین است نقطه کانونی برای آن تعیین نمی‌کند، هرچند ممکن است نقش‌های بازیگران میدان تکافل در ادوار مختلف متفاوت شود. اما اصل در امر عمومی، عمومی بودن و برابری نقش‌هاست.  **با توجه به مطالب فوق و همچنین پیرو ابلاغ سیا ست های ابلاغی رهبری در حوزه تامین اجتماعی، به نظر می رسد بررسی اثرات و کارکردهای اجتماعی نهاد تکافل و جایگاه آن در نظام چندلایه تامین اجتماعی ضروری است. از این رو طرحی با عنوان «** مطالعه و امکان سنجی ظرفیت های نهاد تکافل در استقرار سیاست های کلی تامین اجتماعی **» در دستور کار موسسه قرار گرفته است.** |
| * **اهداف موردنظر برای تحقیق:** * **هدف اصلی**   **مطالعه بهره برداری از ظرفیت نهاد تکافل در استقرار سیاست های کلی تامین اجتماعی**   * **اهداف فرعی**  1. **شناسایی مبانی نظری وفاق وتعارض فقه و حقوق در زمینه شکل گیری نظام تامین اجتماعی چند لایه** 2. **شناسایی ظرفیت تکافل در شکل گیری نظام تامین اجتماعی چند لایه** 3. **شناسایی ظرفیت تکافل در بهبود حکمرانی صندوق های بیمه ای( صندوق تامین اجتماعی)** |
| * **زمینه‌های استفاده و کاربرد نتایج تحقیق (کاربست آن در سازمان تأمین اجتماعی یا حوزه رفاه و تأمین اجتماعی):**  1. **نتایج این طرح می‌تواند در استقرار سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه تأمین اجتماعی کمک بسزایی بکند و تحقق هدف مردمی بودن آنرا تسهیل کند** |
| * **محدوده مکانی و محدوده زمانی**   **--------------------------------------------------------------------------**  **-------------------------------------------------------------------------** |
| * **شرح خدمات مورد انتظار:**  1. **شناسایی مبانی فقهی و حقوقی تکافل در مبانی نظری اسلامی** 2. **بررسی عملکرد تکافل در نمونه هایی از کشورهای صاحب تجربه** 3. **بررسی سود و زیان/ مزایا و معایب نهاد تکافل** 4. **بررسی اثرات و کارکردهای اجتماعی نهاد تکافل** 5. **شناسایی مفهوم تکافل و جایگاه آن در سیاست های ابلاغی** 6. **شناسایی ویژگی های تکافل برای طراحی نظام چند لایه** 7. **شناسایی نسبت تکافل با حکمرانی و سیاست گذاری مردمی در صندوق تامین اجتماعی** 8. **شناسایی جایگاه تکافل در میان نهادهای رسمی و غیررسمی تامین اجتماعی** |
| * **خروجی‌های موردانتظار:**  1. **کشف اصول عام و خاص برآمده از ماهیت تکافل در صندوق‌های بیمه‌ای** 2. **ارائه مدلی تکافل بنیاد برای صندوق های بیمه ای**   **...** |
| * **محدودیت‌ها و موانع احتمالی پیش رو:**   **1-**  **2-**  **...** |
| * **مدت زمان حدودی اجرای پروژه (ماه): 5** |
| * **سطح مورد نظر برای اجرای طرح: خرد □ متوسط □ کلان □** |